

## گفت و گو کنیم

✿ این عبارت‌ها را بخوانید.

مدیر مدرسه‌ی ما وقتی برای مدت کوتاهی به مسافرت می‌رود، معاون مدرسه را به جای خود تعیین می‌کند تا مانند او به کارهای مدرسه رسیدگی کند و بی‌نظمی در مدرسه به وجود نیاید.

مادرم وقتی می‌خواهد برای مدتی از خانه خارج شود، به خواهر بزرگ‌ترم سفارش می‌کند مانند او به امور منزل و کارهای من و برادر کوچکم رسیدگی کند تا مشکلی برای ما به وجود نیاید.

✿ با توجه به آنچه خواندیم، فکر می‌کنید چرا لازم بود پیامبر اسلام برای خود

جانشینی انتخاب کند؟

تا بعد از پیامبر بین مسلمانان اختلاف ایجاد نشود و فردی که مانند پیامبر مسلط به آموزه‌های اسلام است مردم را رهبری کند و به سوالات آن‌ها پاسخ گو باشد.

## ایستگاه فکر

داستان را بخوانید و به سؤال پاسخ دهید:

آیه‌ای نازل شد:

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۲۱۴

پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمان یافته بود تا خویشاوندان نزدیک خود را به دین اسلام دعوت کند؛ آنها را به مهمانی دعوت کرد؛ بعد از نهار و پذیرایی رو به آنها کرد و گفت: من برای شما بهترین دین را آورده‌ام. من خوبی شما را می‌خواهم. پروردگار به من دستور داده است تا شما را به سوی او هدایت کنم. کدام یک از شما مرا در این راه کمک می‌کند تا جانشین من در بین شما باشد؟ در این میان جز یک نوجوان، کسی چیزی نگفت... آن نوجوان حضرت علی علیه‌السلام بود.

❁ چه ارتباطی میان این داستان و این جمله پیامبر هست که فرمود: **موضوع جانشینی حضرت علی بعد از پیامبر از همان آغاز دعوت پیامبر به اسلام مطرح بوده است و در واقعه‌ی غدیر پیامبر این موضوع را مجدد بیان کرده‌اند.**

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ

## ببین و بگو

هر آیه به کدام تصویر مربوط است؟

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ  
نِعْمَتِي

امروز دین شما را کامل و نعمت را بر شما  
تمام کردم.

سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳



وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ  
يَتِيمًا وَ أَسِيرًا

غذای خود را با اینکه به آن تکیه داشتند،  
به فقیر و یتیم و فرد گرفتاری بخشیدند.

سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۸



إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا  
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ  
رَاكِعُونَ

سرپرست شما، تنها خداست و پیامبر او  
و مؤمنانی که نماز را برپا می‌دارند و در  
حال رکوع به نیازمندان می‌بخشند.

سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۵۵



A decorative banner with a pink background and a white border, featuring several colorful flowers (pink, blue, green, and red) scattered around it. The text "با خانواده" is written in a stylized, light blue font on the banner.

## با خانواده

درباره‌ی آداب روز عید غدیر تحقیق کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

مردم این روز را جشن می‌گیرند و کوچه و خیابان‌ها را تزیین می‌کنند و این عید را به همدیگر تبریک می‌گویند و در خیابان‌ها شیرینی و شربت پخش می‌کنند و به دیدن اقوام و دوستان سید خود می‌روند و از آن‌ها عیدی می‌گیرند.

درس دہم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دو روز است که به سامرا آمده‌ایم؛

در این دو روز، چند نوبت مرقد شریف امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام را زیارت کرده، و در صحن با صفایشان نماز خوانده‌ایم و حالا کنار رود پر خروش دجله آمده‌ایم تا در ساحلش قدم بزنیم.

پدرم با دقت به دو طرف دجله نگاه می‌کند و به افق‌های دور چشم می‌دوزد و بعد سرش را تکان می‌دهد:

- «نه! هیچ نشانی از آن شکوه شاهانه نمی‌بینم!»

من که از کنجکاوی پدرم تعجب کرده‌ام، می‌پرسم: «منظور شما چیست؟ به دنبال چه می‌گردید؟»

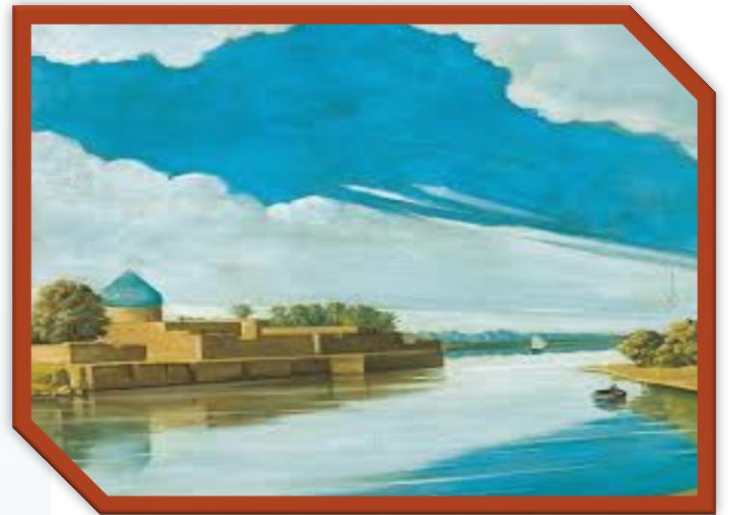
- «قصرهای حاکمان عباسی! هر چه جست‌وجو می‌کنم، نشانی از آنها نمی‌بینم.»

پدرم به کتابی که در دست دارد، اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد:

«در این کتاب خوانده‌ام که سامرا پنجاه و پنج سال پایتخت حاکمان عباسی بوده است. حاکمان و فرزندان‌شان و درباریان آنها قصرهای زیادی در کنار دجله داشته‌اند؛ قصرهایی به هم پیوسته و تو در تو در دو سوی ساحل دجله! کاخ‌هایی آراسته و پر از نقش و نگار با وسایل گران‌قیمت و سفره‌های رنگارنگ...»

اما الان هیچ نشانی از آنها نیست!»

من هم مانند پدرم با کنجکاوی به اطراف دجله نگاه می‌کنم و به زمین‌های خالی چشم می‌دوزم!

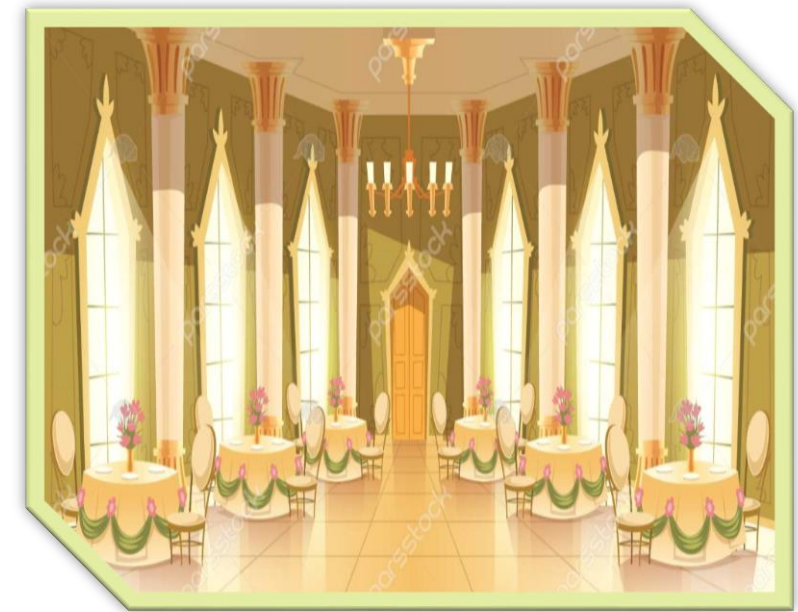




در این هنگام پدرم با دست به گنبد امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام اشاره می‌کند و می‌گوید:

«بنی‌عبّاس با آن همه قدرت و ثروت فراموش شدند و کسی از آنها به نیکی یاد نمی‌کند، ولی مرقد نورانی امام هادی و فرزند عزیزش را ببین؛ زائران مثل پرستو

از همه جای دنیا عاشقانه به سویشان پر می‌کشند».





کنار دجله می‌نشینیم. غرق تماشای آب‌های  
خروشان می‌شوم. حرف‌های پدرم مرا به فکر  
فرو می‌برد. با خودم می‌گویم هرطور شده  
باید بفهمم که چرا امام هادی و فرزند عزیزش  
امام حسن عسکری علیهما‌السلام این قدر  
مورد توجه مردم هستند ولی حاکمان عباسی  
فراموش شده‌اند.

کتابی را که پدرم با خود به همراه دارد می‌گیرم  
و به سوی حرم راه می‌افتیم.

وارد صحن می‌شویم و سلام می‌دهیم.  
من در گوشه‌ای از صحن می‌نشینم و با علاقه  
و اشتیاق کتاب را ورق می‌زنم. کتابی است  
درباره‌ی تاریخ زندگی امام هادی علیه‌السلام و  
داستان‌های زندگی ایشان.





پدرگرامی اش امام جواد علیه السلام را در اوج جوانی به شهادت رساندند و امام هادی علیه السلام با اینکه سنش هنوز به نوجوانی هم نرسیده بود، امام و پیشوای مردم شد. در مسجد پیامبر به شاگردان پدرش درس می داد. خیلی از مردم، مخصوصاً آنهایی که امام را نمی شناختند با تعجب او را نگاه می کردند:

- «عجب نوجوان باهوش و با استعدادی!»

او شاگردان زیادی تربیت کرد که همه از عالمان بزرگ شدند. یکی از مشهورترین شاگردان ایشان، حضرت عبدالعظیم حسنی است که حرمش در شهر ری قرار دارد.

متوکل که می دانست مردم به امام هادی علیه السلام علاقه دارند و از اتحاد و همدلی میان ایشان می ترسید، دستور داد امام را با زور و اجبار از مدینه به سامرا بیاورند. امام هادی علیه السلام، سال های سال در سامرا در نهایت سختی زندگی کرد. متوکل همیشه امام عزیز را زیر نظر داشت و بارها دستور داد شبانه به خانه ی امام بریزند و خانه اش را با زرسی کنند. او حتی به این هم بسنده نکرد و دستور داد تا مدتی امام را در زندان نگه دارند! امام با همه ی سختی ها و رنج ها از راهنمایی و ارشاد مردم دست برنداشت و از راه دیدارهای مخفیانه و نامه نگاری با مردم ارتباط داشت و آنها را از هدایت های دلسوزانه ی خویش بهره مند می ساخت.





وقتی نیازمندی به خانگی ایشان می‌آمد، قبل از اینکه سخنی بگوید، امام مهربان به او کمک می‌کرد؛ آن قدر زیاد که بتواند مشکلش را بر طرف کند.

یکی از دوستانش به بیماری شدیدی مبتلا شد. پزشک برایش دارو نوشت. اما هر چه جست و جو کردند، دارویش را پیدا نکردند. امام هادی علیه السلام همین که فهمید دوستش به دارو نیاز دارد به دنبال تهیه آن دارو رفت؛ آن را پیدا کرد و برای دوستش فرستاد.

یک بار گوسفندان زیادی خرید و همراه یکی از یارانش آنها را به چرا بردند. در بازگشت، خبری از گله نبود. مردم از دوست امام پرسیدند: پس گوسفندان چه شدند؟  
- گله را به جایی بردیم که مردمش نیازمند بودند. امام گوسفندان را میان آنها تقسیم کرد.

هر چه بیشتر می‌خواندم، علاقه‌ام به این امام عزیز بیشتر می‌شد.  
چه انسان بزرگ و بی‌نظیری!  
در روزگاری که حاکمان ستمگر، حق مردم را پایمال می‌کردند  
و در قصرهای با شکوهشان سفره‌های رنگارنگ می‌انداختند  
و خزانه‌هایشان را از سگه‌های طلا لبریز می‌کردند،  
خانه‌ی ساده‌ی امام هادی علیه‌السلام تنها نقطه‌ی امید مردم بود.





کدام قسمت این درس را بیشتر دوست داشتی؟ چرا؟



به عهده ی دانش آموز

## بررسی کنید

با توجه به متن درس، چند نمونه از ویژگی‌های امام هادی علیه السلام را بنویسید.

ایستادگی در برابر ظلم و ظالم

کمک به نیازمندان

اهمیت به دوستان و کمک به نیازمندان

باهوش و بااستعداد

دوست دارید کدامیک از این ویژگی‌ها را شما هم داشته باشید؟

## ایستگاه فکر

مجری اخبار اعلام کرد:

«قهرمان گلستانی، مدال پارالمپیک خود را به زلزله‌زدگان غرب کشور اهدا کرد.»

به نظر شما این رفتار با کدامیک از داستان‌های درس ارتباط دارد؟ **داستان تقسیم گوسفندان بین نیازمندان**

## خاطره‌گویی

این سخن از امام هادی علیه‌السلام را بخوانید.

به جای اینکه برای عدم موفقیت‌های گذشته حسرت و اندوه  
بخوری، با داشتن تصمیم و اراده‌ی قوی، آنها را جبران کن.

آیا شما خاطره‌ای در این باره دارید؟ آن را در کلاس برای دوستانتان تعریف کنید.

## گفت‌وگو کنیم

از این نوشته، چه برداشتی دارید؟ با دوستانتان در گروه گفت‌وگو کنید.

چه دوران سخت و خفقانی بود!  
متوکل، مرقد امام حسین علیه‌السلام، جدّ بزرگ امام هادی علیه‌السلام را تخریب کرد؛ عده‌ی زیادی از نسل پیامبر و دوستان ایشان را به زندان انداخت؛ به شاعران پول زیادی می‌داد تا در شعرهای خود به امامان بی‌احترامی کنند؛ بیت‌المال مسلمانان را صرف خوش‌گذرانی خود می‌کرد و دائماً امام هادی علیه‌السلام را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد. ولی امام که نوجوانی بیش نبود با توکل به خداوند از تلاش و راهنمایی مردم دست برداشت.

**فشار زیاد حکومت بر امام هادی برای تسلیم شدن و مقاوت امامان با تکیه بر خداوند.**



## کامل کنید

❁ ای امام مهربانم! شما وقتی می فهمیدی یکی از دوستانت

مشکلی دارد یا به چیزی نیاز دارد .....

• .....

❁ با اینکه دشمنانت دوست نداشتند .....

• .....

❁ دوست دارم من هم مانند شما .....

• .....

❁ ای کاش در آن روزها پیش شما بودم و .....

• .....



## بگرد و پیدا کن

کدام یک از خانه‌های جدول زیر با یکدیگر مرتبط است؟ آنها را یک‌رنگ کنید.

امام حسن عسکری علیه السلام	امام هادی علیه السلام	خلیفه‌ی ستمگر	محلّ شهادت
یکی از شاگردان	امام دهم	نام پدر	نام فرزند
متوکل	عبدالعظیم حسنی	امام جواد علیه السلام	سامرا

## با خانواده

تاریخ تولّد و شهادت امام هادی علیه‌السلام را از روی تقویم پیدا کنید و آن را در اینجا بنویسید.

روز شهادت: ..... ۳ رجب .....

روز تولّد: ..... ۱۵ ذی‌الحجه .....